شکاری، عباس؛ احمدآبادی آرانی، نجمه؛ فتاحی، ندا (۱۳۹۳). تعلیم و تربیت مرزی با تاکید بر دلالت‌های تربیتی هنری ژیرو در تحولات تربیتی. *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۴ (۱)، ۱۵۰- ۱۳۱.

تعلیم و تربیت مرزی با تاکید بر دلالت‌های تربیتی هنری ژیرو در تحولات تربیتی

عباس شکاری[۱]، نجمه احمدآبادی آرانی[۲]، ندا فتاحی[۳]

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۰

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تعلیم و تربیت مرزی با تاکید بر دلالت‌های تربیتی هنری ژیرو در تحولات تربیتی می‌باشد. برای دستیابی به این هدف از روش پژوهش توصیفی- تحلیلی بهره گرفته شد. ژیرو به عنوان یک نظریه پرداز معاصر پست مدرنیسم با طرح نظریه انتقادی درصدد ارائه نوعی از تعلیم و تربیت است که در آن مسئله سیاست، اخلاق و فرهنگ از اهمیت خاصی برخوردار است. او ضمن انتقاد از آموزش و پرورش حاکم کنونی جهان که مبتنی بر آموزه های مدرنیته است، دیدگاه تعلیم و تربیت مرزی را پیشنهاد می‌کند. به طورکلی، نتایج حاصل بررسی دیدگاه ژیرو در خصوص تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که تعلیم و تربیت به خودی خود روندی سیاسی دارد و هدف تعلیم و تربیت مرزی، ایجاد یک جامعه مساوات خواه دموکراتیک می‌باشد و بسیاری از هدف‌های سنتی تعلیم و تربیت را طرد می‌کند و معطوف به شناخت مرزها و دیدن تفاوت‌ها و دریافت آنهاست. تعلیم و تربیت مطلوب این است که در آن صداهای دیگر نیز شنیده شود و اندیشه و فلسفه تعلیم و تربیت مرزی نمی‌تواند از کنار مسائل و زبان اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها بگذرد چرا که محکوم به شکست می‌شود.

کلید واژه‌ها: *پساتجددگرایی، تعلیم و تربیت مرزی، دلالت‌های تربیت انتقادی، ژیرو*

مقدمه

در ربع پایانی قرن بیستم، نقدهای وارد شده به آثار و پیامدهای مدرنیته منجر به رشد جنبشی شد

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه کاشان، shekarey@kashanu.ac.ir.

۲. کارشناس ارشد فلسفه تعلیم وتربیت دانشگاه شاهد.

۳. کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه کاشان.

که در آستانه سده بیست و یک بسیاری از جنبه های مربوط به پنداشت‌ها و رفتارهای فردی و جمعی را تحت تأثیر قرار داد (Ahanchian, 2003). پست‌مدرنیسم که در چند دهه اخیر مطرح شده است، طیف وسیعی از دیدگاه‌های گوناگون را در برمی گیرد که نقطه اشتراک آنها نفی مدرنیته و گذر از آن می‌باشد. پست‌مدرنیسم در اصل کوششی برای بازشناسی معضلات و بن بست های مدرنیته تلقی می‌شود. مدرن از ریشه لاتین Modo به معنای امروزی یا آنچه رایج است، در تمایز از دوره قبل معنا می‌دهد. گروهی از پژوهشگران ریشه مدرنیسم را در عصر روشنگری جستجو می‌کنند (Cohven, 2005). از ویژگی‌های مدرنیته اعتقاد به انسان به عنوان موجودی است که فردیت و استقلال وجودی دارد. همچنین، خرد باوری، اعتقاد به پیشرفت، انسان شناسی پوزیتویستی و اعتماد نامحدود به علم، توسعه اقتصادی، فنی و صنعت گرایی از ویژگی‌های دیگر آن است (Dehbashi, Jafari & Mahmoudi, 2007, p.3) . بنابراین، پست مدرنیسم با زیر سؤال بردن مشروعیت دانش، مرجعیت عقل، محوریت انسان در جهان و طبیعت، حاکمیت اندیشه های مسلط، وضع هرگونه نظریه مطلق و اعتقاد به روایت برتر، تحولی در افکار جهانیان به خصوص غربیان به وجود آورد (Najjarian, Pakseresht & Safai Moghaddam,2002). نکته قابل تأمل این است که پست مدرنیسم به عنوان یک رویکرد نوین در دو دهه اخیر بر بیشتر رشته های علوم، ادبیات و به دنبال آن علوم تربیتی تأثیر گذاشته است. آنچه در وهله نخست زمینه ساز ظهور این رویکرد شده، شکست مدرنیسم در تحقق بخشیدن وعده‌هایی مانند دموکراسی، صلح و سلامتی، عدالت اجتماعی در سایه پیشرفت علوم و سیطره عقلانیت بر امور بوده است.

ژیرو، نظریه پرداز تعلیم و تربیت آمریکایی نیز ضمن اینکه خود را طرفدار رویکرد پست‌مدرن معرفی می‌کند، معتقد به تخریب و نابودی مدرنیته نیست. پست‌مدرنیسم ژیرو در برخورد با مدرنیته رویه معتدلی است (Giroux, 1943). او معتقد است که پست‌مدرن ارائه دهنده یک گسست شدید یا انقطاع از مدرنیته است؛ تعلیم و تربیت انتقادی، انتخاب کامل میان مدرنیسم و پست‌مدرنیسم نیست. به نظر او ما نمی‌توانیم تعلیم و تربیت مدرن را یکسره مردود یا منفی بدانیم؛ زیرا بحث‌های نظری و عملی تعلیم و تربیت به شدت با زبان و مفروضه های مدرنیسم درهم آمیخته است. تاکید مربیان مختلفی چون جان دیوئی، تایلر و جان گولد بر ایمان به ایده ال های مدرنیست مانند ظرفیت فردی برای تفکر انتقادی، علائق و رویاهای روشنگری استدلال و آزادی قابل چشم پوشی نیستند. هرچند دیدگاه انتقادگرایی در پیوند با مارکسیسم بوده و در بنیان‌گذاران اولیه انتقادگرایی آشکارتر بوده است، اما ژیرو به محدودیت‌های دیدگاه مارکسیستی در تعلیم و تربیت اذعان دارد (Giroux, 1991).

ژیرو (۱۹۹۱) نظام تعلیم و تربیت مرزی را پیشنهاد می‌کند که بسیاری از هدف‌های سنتی تعلیم و تربیت را طرد می‌کند (Salehi, 2011). همچنین به زعم ژیرو هر اندیشه و فلسفه ای که از کنار مسائل و زبان اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها بگذرد، محکوم به شکست است (Giroux, 2003). در این زمینه باید گفت که نخستین مانعی که در حال حاضر بر سر راه این هدف قرار گرفته به حاشیه راندن گروه‌های اجتماعی به واسطه نژاد پرستی و جنسیت گرایی است. هرچند ساختار درون سیستمی نظام تعلیم و تربیت کشور با وجود پاره ای از مشکلات اساسی (مانند غرب گرایی و تهاجم فکری و فرهنگی) از یک سو و ویژگی‌های مثبت آن (مانند تمدن کهن و فرهنگ غنی دینی) از سوی دیگر، محکوم به شکست نیست، اما همچنان دارای کاستی‌هایی است که برای دستیابی به توسعه علمی، تجزیه و تحلیل روابط، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر نظام تعلیم و تربیت نیازمند توجه می‌باشند.

از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه می‌توان به «*مضامین پست مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن*» (Najjarian et al., 2002)، «*تعلیم و تربیت پست مدرن*» (Geriaee, 2006)، «*تعلیم و تربیت پست‌مدرن از دیدگاه جیرو*» (Dehbashi et al., 2007)، «*مبانی انسان شناسی پست مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن*» (Javidi Kalateh & Aali, 2010)، «تبیین جایگاه خلاقیت در اندیشه‌های پست مدرنیسم» (Khalili & Hoseini, 2010) «فلسفه، تعلیم و تربیت و چالش پست مدرنیسم» (Ozman & Craver, 1995) اشاره کرد.

هدف اصلی این پژوهش تبیین و تحلیل تعلیم و تربیت مرزی در تحولات نظام تربیتی با تاکید بر دلالت‌های تربیتی نقاد و تحول محور هنری ژیرو است. بنابراین، سؤال اساسی که مطرح می‌شود این است که ۱) دلالت‌های پست مدرنیسم در حوزه تحول زایی تعلیم و تربیت چیست؟ ۲) نظریه های تربیتی تحول زای ژیرو چیست و شامل چه ابعاد و مؤلفه‌هایی است؟ ۳) هدف‌ها، اصول و روش تربیتی تحول زای ژیرو چه ویژگی‌هایی دارد؟ و ۴) نقد پست‌مدرنیستی ژیرو در خصوص هدف‌ها، اصول و روش تربیتی تحول زای مدرنیسم چه ویژگی‌هایی دارد؟

روش پژوهش

با توجه به ماهیت و کیفیت این پژوهش، از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. بنابراین، نخست به شرح هدف‌ها، اصول، ابعاد تحول زای آموزشی و مؤلفه‌های تعلیم و تربیت پست‌مدرن پرداخته می‌شود، سپس دلالت‌های تربیتی دیدگاه هنری ژیرو مورد بررسی، تحلیل و نقد قرار می‌گیرد.

یافته‌ها

تعلیم و تربیت ژیرو یک نوع تعلیم و تربیت چند فرهنگ گراست که اقلیت‌های قومی و نژادی و جنسی را مورد حمایت قرار می‌دهد و از نظر تربیتی درصدد ایجاد یک اجتماع مردم گرای مساوات خواه است و سعی می کند تعلیم و تربیت را به عنوان بزرگ‌ترین محافظ فرهنگی گذشته مطرح کند و معلم را به عنوان روشنفکر تحول آفرین و دانش آموزان را به عنوان شهروندان منتقد در مدرسه می‌داند که هدف‌های غایی تعلیم و تربیت آن رسیدن به قوه نقد و تفسیر و شهروندی دموکراتیک و تکثرگراست. همچنین، در راستای تعلیم و تربیت مرزی باید به این نکته اشاره کرد که دانش آموزان فرصتی برای بازگویی و امکان گسترش روایت‌های متعدد از مفهوم‌های علمی و فرهنگی در مدرسه را خواهند داشت.

دلالت‌های پست مدرنیسم در حوزه تحول زایی تعلیم و تربیت چیست؟

مطالعه تعلیم و تربیت پست مدرن همواره با مشکلاتی روبرو بوده است. از جمله به این دلیل که پساتجدد، در واقع یک نظام منسجم از عقاید و مفاهیم نیست. لذا، نمی‌توان آن را یک جنبش واحد تلقی کرد. از آنجا که پست مدرنیسم در ساده‌ترین معنای خود، بحران مدرنیسم یا تبیین بحرانزدگی مدرنیسم است، اندیشه های پست مدرنیسم در تعلیم و تربیت هم به همین معنا خواهد بود؛ یعنی تبیین بحرانزدگی تعلیم و تربیت دوران معاصر که جلوه و چهره ای از مدرنیسم است. تعلیم و تربیت پست مدرنیسم در واقع، مطالعه و فهم بحران‌های جاری آموزش و پرورش در جامعه است. بنابراین، نمی‌توان انتظار یک حکم کلی و تعریف روشن از آن را داشت؛ زیرا این امر با روح پست مدرنیسم سازگار نیست(Bagheri, 1996).

شاید بتوان اذعان نمود که بارزترین تفکر تربیتی، بازتاب تفکر پست مدرن در نظام آموزشی باشد. چرا که ضمن گرامیداشت و ارج نهادن به تمایزهای اقلیت‌های قومی، نژادی و جنسیتی، از آن به طور جدی در قالب تعلیم و تربیت چند فرهنگ گرا [1] حمایت می کند. در چنین تعلیم و تربیتی با تمرکززدایی و کاستن نفوذ دولت بر تشکیلات آموزشی راه برای برنامه ریزی و انتخاب هدف، محتوی، روش و ساختارهای متناسب با آداب و رسوم و زبان خرده فرهنگ‌ها هموار می‌شود. به عبارت دیگر، با آهسته شدن صدای فرهنگ مسلط، صدای خرده فرهنگ‌ها در نظام آموزشی بیشتر به گوش می‌رسد (Najjarian et al., 2002, p.195). از دیگر ویژگی‌های پست مدرنیسم، توجه خاص آن به نقد و انتقاد است. بازتاب این ویژگی در تعلیم و تربیت، تقویت روحیه انتقادگری و حمایت از تعلیم و تربیت

[1]. multicultural pedagogy

انتقاد گرا[1] از سوی پست مدرنیسم‌ها است. در این نوع تعلیم و تربیت، تلاش‌ها معطوف به شناسایی و درگیری با شرایط ظالمانه حاکم و تربیت شهروندان انتقادی با ارتباطات انتقادی کلاس درس می‌باشد (Leistyna,1995). به طورکلی پست‌مدرنیست‌ها بر موشکافی مسائل نظام آموزشی و بازنگری انتقادی روابط و ساختار آموزشی تاکید بسیار دارند. از نظر روش شناختی، پست‌مدرنیست‌ها برای فهم جهان و مطالعات تربیتی، مطالعات کیفی را به مطالعات کمی ترجیح می‌دهند. در رویکرد پست مدرنیسم، توجه به ذهنیت در فهم پدیده های اجتماعی و اهمیت دادن به آن تأثیر اساسی بر روش‌های تحقیق داشته است. روش‌های تحقیق در عرصه های علوم انسانی و علوم اجتماعی عبارتند از: مصاحبه قوم شناسی، تحلیل گفتمان، ساخت شکنی متون، بازنمایی‌های عقاید علمی، تحقیق در عمل (اقدام پژوهی) (Farmahini Farahani, 2004, p.174).

تاکید بر بهره گیری از روش‌های ساخت زدایی متون آموزشی از ایده های پست مدرنیسم می‌باشد. پست‌مدرنیست‌ها معتقدند علاوه بر اینکه معلم و دانش آموز می‌بایست شیوه ساخت زدایی را پیشه کنند مواد و مطالب آموزشی نیز می‌بایست ساخت زدایی شوند. آنان معتقدند که دانش‌پژوهان باید تشویق شوند تا راه‌های جدیدی برای بازنویسی مجدد عناصر و داستان‌ها بیابند تا از این طریق قادر به یافتن روش جدیدی برای قرائت یک متن شوند و آن را به اجزاء اصلی و فرعی تقسیم کنند(Parker, 1997). آرمان دیگر پساتجددگراها بر حمایت از محلی گرایی و منطقه ای شدن در نظام آموزشی، رهنمودهای مثبتی برای تعلیم و تربیت در بر دارد. توجه به زبان و فرهنگ بومی مناطق مختلف، تاکید بر تناسب محتوای کتب درسی و برنامه تحصیلی کودکان با شرایط محیطی و اقلیمی آنها، در نظر گرفتن آداب و رسوم و سنن مناطق مختلف و به طورکلی توجه به تنوع فرهنگی و چند فرهنگ گرایی در تعلیم و تربیت از جمله دلالت‌های مثبت پساتجددگراها به شمار می‌روند. اما، از سوی دیگر پساتجددگراها با تاکید افراطی بر منطقه ای شدن نظام آموزشی، ضمن توجه خاص به مناطق مختلف، مسائل دانش‌پژوهان را به طور جدا بررسی می‌کند و با جدا کردن آنها از نظام کلی اجتماع، آنها را به صورت گروه‌های مجزایی در می‌آورد که باید مسائل شان را فقط در جمع خود مطرح نمایند و از قاعده‌مندی‌های همگانی اجتناب ورزند.

بنابراین، هر منطقه آموزشی می‌بایست به طور مجزا و بدون هیچ‌گونه هماهنگی و تشریک مساعی با دیگر مناطق و یا نظام کلی آموزش کشور، اقدام به برنامه ریزی و اجرای راهکارهای آموزشی نمایند. پسا تجددگراها با ظالمانه خواندن هرگونه اجتماع، دانش آموزان را به دوری از اجتماع، تنگ نظری و انزوا

---

[1]. Critical Pedagogy

تشویق کرده و حس همکاری و مشارکت و برقراری ارتباط و گفتگو در اجتماعات گسترده را تضعیف می‌نماید (Najjarian et al., 2002, p.103).

با توجه به بحث‌های مطرح شده، مهم‌ترین دلالت‌های تربیتی پست مدرنیسم شامل تمرکز زدایی، چند فرهنگ گرایی، بی اعتمادی به عقلانیت، بی اعتمادی به علم، ساخت‌های پراکنده[1]، چالش برانگیزی و نقد[2]، رد قطعیت[3]، نسبی گرایی اخلاقی[4]، شک گرایی معرفت شناختی[5] و تاکید بر روش‌های تحقیق کیفی در زمینه علوم انسانی و علوم تربیتی (مانند قوم نگاری، تحلیل گفتمان و ساخت شکنی) و در تمام حوزه های دانش بشری، امکان گشایش چشم انداز انتقادی را فراهم می‌کند و این امر فرصتی کمیاب در اختیار ما می‌گذارد تا از این زاویه انسان و روابط انسانی به ویژه آموزش و پرورش تفسیر شود (Shekari & Fattahi, 2013). با این وصف، با همین نگاه نظام تربیتی هر یک از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران قابل نقد و بررسی است.

نظریات تربیتی تحول زای ژیرو چیست و شامل چه ابعاد و مؤلفه‌هایی است؟

ژیرو از پست مدرنیست های انتقادی است. او با بررسی روابط قدرت و دانش می‌کوشد تا نگرش انتقادی فراگیری ایجاد کند که موضوع اصلی آن مقاومت باشد. به نظر ژیرو، «دیدگاه‌های پست مدرن در مقایسه با دیدگاه انتقادی افرادی چون هابرماس از جامعیت بیشتری برخوردار است. پافشاری بر دانش عینی، قانون مدار و فارغ از ارزش، مردم را به نادیده گرفتن جنبه های مختلف آموزش ترغیب می‌کند. ژیرو برای مقابله با این مشکلات از مفهوم‌هایی مانند دموکراتیک، شهروند منتقد و معلم روشنفکر حمایت می‌کند.» (Farmahini Farahani, 2004, p.129). او با نگاهی انتقادی به تعلیم و تربیت درصدد ارائه نوعی تعلیم و تربیت است که در آن همه گروه‌ها به ویژه گروه‌هایی که در حاشیه قرارگرفته‌اند و نمی‌توانند به خاطر قرار گرفتن در زیر فرهنگ غالب ابراز عقیده کنند، به میدان می‌آورد. از نظر ژیرو، «تعلیم و تربیت به خودی خود روندی با هدف ایجاد یک جامعه دموکراتیک مساوات خواه است و نخستین مانعی که در حال حاضر بر سر راه این هدف وجود دارد، به حاشیه راندن شدن گروه های اجتماعی به واسطه نژاد پرستی و جنسیت گرایی است.» (Cohven, 2005, p.716). در این راستا، مهم‌ترین مؤلفه های تعلیم و تربیت مرزی تحول زای ژیرو عبارتند از:

---

[1]. dissipatirs structur
[2]. critical
[3]. uncertainty
[4]. relativism ethics
[5]. epistemological impossibilism

۱) تعلیم و تربیت

به نظر ژیرو، آموزش و پرورش نه فقط باید تولید کننده دانش، بلکه مولد سوژه های سیاسی است و این نوع آموزش نیاز به طرح تئوری دارد تا معلمان را چون روشنفکران تحول پذیر در نظر بگیریم که پست‌های سیاسی و اجتماعی خاصی را اشغال کرده‌اند. به علاوه، این نوع آموزش به فرهنگ واژگانی و زبان ویژه‌ای نیاز دارد تا بتواند به تعریف دوباره مسائلی چون قدرت، عدالت، تلاش و نابرابری بپردازد(Giroux, 1996). تعلیم و تربیت مطلوب از دیدگاه پست مدرنیسم، تربیتی است که در آن صداهای دیگر نیز شنیده شود. از دید آنها تعلیم و تربیت جریانی سیاسی است؛ زیرا به دنبال حفظ چهارچوب فرهنگ و پیاده کردن حکومتی معین با ارزش‌های معین است. تعلیم و تربیت بزرگ‌ترین محافظ نظام فرهنگی گذشته است(Aronowitz & Giroux, 1991).

۲) معلم

ژیرو به ایجاد موقعیتی اعتقاد دارد که در آن معلمان نیاز به تفکر مجدد در نقش‌هایشان به عنوان روشنفکر عمومی و رد تقلید دانش و تخصص و کنار گذاشتن عقلانیت که به گفتمان نظریه برنامه درسی هم سرایت می‌کند. همچنین، معلمان نیاز به بر عهده گرفتن وظیفه تربیت مجدد رهبری آموزشی به شیوه انتقادگرایی اجتماعی و شجاعت مدنی دارند که اجازه بدهد آنها جو مخالف را ایجاد کنند. بنابراین، یکی از جالب‌ترین نظریه های تربیتی ژیرو، نقش معلم در نظام تربیتی است. لذا، چنانچه معلمان درباره آنچه تدریس می‌کنند، چگونگی آن و هدف‌های عالی‌تری که برای آن تلاش می‌کنند، به طرح پرسش‌های اساسی بپردازند، ابزاری می‌شود که نقش سیاسی و انتقادی آنها را در دفاع از ماهیت انسانی شغل و نیز شکل دهی شرایطی که در آن کار می‌کنند، فعال می‌کند (Giroux, 1988). نظریه معلمان به عنوان روشنفکران تحول آفرین عنوان چندین مقاله و کتاب منتشر شده ژیرو می‌باشد.

۳) مدرسه

به نظر ژیرو مدارس باید به جای تربیت اقتدارگرا و استبدادی، تربیت دموکراتیک و تربیت شهروندانی انتقادی را در دستور کار داشته باشد. او در این باره چنین می‌نویسد که «زبان تعلیم و تربیت انتقادی باید مدارس را به عنوان حوزه های عمومی دموکراتیک بنا نهد. به این معناکه مربیان باید تربیت انتقادی را پرورش دهند و در آن، دانش عادت‌ها و مهارت‌های شهروندی انتقادی را به جای شهروندی صرفاً خوب آموزش داد و به کار بست.» (Giroux, 2004, p.725). در این راستا در تعلیم و تربیت انتقادی،

مدارس باید در تربیت شهروندانی بکوشند که قادر به اعمال قدرت بر زندگی خود و به ویژه شرایط ایجاد و تحصیل دانش هستند. بنابراین، ژیرو ضمن بیان اینکه تعلیم و تربیت پست مدرنیسم باید انتقادی باشد هم صدا با بسیاری از طرفداران نهضت پست مدرنیسم، تربیت سیاسی را یکی از جنبه های مهم تربیت پست مدرن به شمار می‌آورد(Pinar, 1996).

۴) محتوا

از نظر ژیرو دانش مربوط به مواد درسی نباید به عنوان یک متن مقدس در نظر گرفته شود، بلکه باید مانند بخشی از یک اشتغال بی پایان، به انواع روایت‌ها و سنت‌هایی که می‌توانند بازخوانی و در شرایط مختلف سیاسی از نو صورت بندی شوند، گسترش یابد (Giroux, 2004). یک موضوع قابل بحث در اینجا، ایجاد گفتمانی در باب اقتدار تجلی یافته در متن است که نسبت به قدرت حساسیت دارد و به عنوان بخشی از یک موضوع قابل تحلیل باید گفت که در بعد وسیع‌تر، چنین اقتداری ،حس مبارزه طلبی برای تفوق بر فرهنگ تکامل یافته را ترویج می‌کند تا جایی که این مبارزه به سطوح دانش موارد درسی، تعلیم و تربیت و اعمال قدرت نهادی گسترش یافته است. ژیرو در این باره می‌نویسد: «در بین شکل‌های رایج نظریه های برنامه درسی، خواندن از زمینه‌هایی است که خوانندگان در آن مستقل هستند.

از این رو، معنی یک متن اغلب به وسیله نویسنده تعیین می‌شود و بازنمایی آن از سوی دانش آموز پوشیده می‌ماند یا معنی متن گم می‌شود. در هر دو مورد معنی متن با خروج از سلسله شکل‌ها و خواندن مخالف متن ظهور می‌یابد.» (Giroux &Aronowitz, 1991, p.97). پس درست است که طبقه بندی شکل‌های خواندن محتوا، مفهوم چالش برانگیز دیدگاه مسلط خواندن و تربیت می‌باشد. در این زمینه می‌توان گفت که تعلیم و تربیت یک فرایند مطالعه متنی است که می‌تواند به شکل عملی از سه روش خواندن، تفسیر و انتقاد مشخص شود. اسکولز آنها را به عنوان خواندن از درون، خواندن از فراز و خواندن در برابر، مطرح می‌کند.

ارزش تربیتی مبتنی بر سه روش خواندن، تفسیر و انتقاد این است که خواندن از درون موجب می‌شود تا جهان سازنده متن به وسیله خواندن روشن شود. به نظر دهباشی و همکاران، این نکته مهمی در بحث تعلیم و تربیت انتقادی و مرزی محسوب می‌شود که دانش آموزان فرصتی برای بازگویی و امکان خلاصه سازی و گسترش روایت متعدد از مفهوم‌ها داشته باشند و خوانش های بیشتری از پدیده‌ها ارائه نمایند (Dehbashi et al., 2007).

۵) تدریس

ژیرو معتقد است که تدریس باید به عنوان قسمتی از طرح برنامه درسی بزرگ‌تر مربوط به ساخت موضوع‌ها و شکل سیاسی مدارس به عنوان فضای عمومی دموکراتیک دیده شود. در این دیدگاه، معلمان نباید موضوع‌های درسی را تدریس نمایند، بلکه آنها باید قدرت بررسی متن را از طریق اجازه دادن به دانش آموزان، در آنها به وجود بیاورند که متون را خارج از شکل‌های یکسان بخوانند. ژیرو می‌کوشد با این تصور که تدریس یک فن و معلم یک روشنفکر حرفه ای است؛ یعنی اگر حرفه یا فنی هم دارد، باید با اندیشه و فکر بپیوندد. معلم در واقع باید به ساختار زدایی از آن نظام فرهنگی بپردازد که در آن زندگی و تدریس می‌کند (Bagheri, 1996, p.77). بدین صورت می‌توان گفت که تدریس به نوعی به معنی نقد ساختار آموزشی و فرهنگی موجود خود است.

۶) مطالعات فرهنگی

یکی از تاکیدهای مهم ژیرو، مطالعات فرهنگی در تعلیم و تربیت است که در مقاله های خود دلایلی برای اهمیت مطالعات فرهنگی در بازسازی آموزش و پرورش معاصر ارائه می‌دهد. ژیرو از مطالعات فرهنگی برای تغییر و غنا بخشی تعلیم و تربیت انتقادی و ایجاد ابزاری روشنفکرانه برای تغییر در آموزش و پرورش استفاده می‌کند و به عنوان یک پداگوژی عمومی آن را برای مدارس تجویز می‌کند. به زعم ژیرو، مطالعات فرهنگی ابزاری فراهم می‌کند تا معلمان و سایر دست‌اندرکاران فرهنگی بتوانند به طور انتقادی با قضایا برخورد کنند. او چنین بحث می‌کند که مطالعات فرهنگی نیازمند توجه به اهمیت تربیت و تداوم آن به تغییرات اجتماعی دموکراتیک رادیکال است، نه صرفاً افراط در خواندن متون یا شنیدن مطالبی که لذت بخشی سطحی به روال فرهنگ عامیانه از آن برای خواننده حاصل می‌شود که به طور نمونه، در بعضی از خوانش های متون فرهنگی در دهه های گذشته قابل مشاهده است.

۷) فناوری آموزشی

ژیرو معتقد است آموزشگاه‌ها و آموزش به وسیله دستورات فناورانه مهندسی عقلانی اداره می‌شوند. او موارد زیر را در زمینه های برنامه درسی مورد انتقاد قرار داده است.

الف) سمت و سوی برنامه های درسی باید به سود گزاره های قانون مداری که از نظر تجربی قابل آزمایش باشند، جهت داده شود.

ب) لازم است در علوم طبیعی برای آزمایش مفاهیم به ویژه در زمینه فناوری به بحث طراحی و

ارزیابی برنامه های درسی توجه بیشتری شود.

ج) دانش باید عینی و قابل دسترس و بی‌طرفانه توصیف شده باشد.

پافشاری بر دانش عینی، قانون مدار و بی ارزش، مردم را به نادیده گرفتن جنبه های مهم آموزش ترغیب می‌کند. ژیرو بر این عقیده است که هدف و پرسش‌های مربوط به سرشت‌های اخلاقی و سیاسی آموزشگاه‌ها یا به فراموشی سپرده شده‌اند و یا با کوچک انگاری با آنها برخورد شده است.

همچنین، مک لارن بیان می‌دارد که معلمان اغلب بر روش‌های مدیریت کلاس، کارایی و چگونگی استفاده از فناوری‌هایی که سرانجام این پرسش مهم را نادیده می‌گیرند که چرا در گام نخست، دانش آموخته شده است؟ پافشاری می‌کنند (Aghazadeh & Dabirinejad ,2007). به طورکلی، نظریه های تربیتی تحول زای ژیرو را می‌توان در چند مورد به شرح زیر بیان کرد:

۱. اخلاق مدار: اخلاق باید محور مرکزی تعلیم و تربیت باشد (در اینجا اخلاق به مفهوم عام و غیر مجادله ای اعلامیه حقوق بشر مورد نظر است).

۲. دانش زا و ساخت شکن: دانش انتقادی باید زمینه خلق دانش جدید را فراهم آورد و بتواند با ساخت شکنی و گذشتن از محدودیت‌های نظم موجود به نتایج تازه برسد.

۳. تاکید بر تربیت سیاسی و فرهنگی: مطالعات فرهنگی باید به عنوان پداگوژی عمومی در مدارس تجویز شوند. تربیت سیاسی از مهم‌ترین جنبه های تربیتی در پست مدرنیسم محسوب می‌شود. تعلیم و تربیت سیاسی و مطالعات فرهنگی محور اصلی تعلیم و تربیت به شمار می‌روند.

۴. بازسازی برنامه درسی: بر اساس دیدگاه انتقادی جامعه شناسی جدید ، الگوهای سنتی برنامه درسی و نیز الگوها و ارزش‌های پنهان و غیررسمی برنامه درسی باید به شدت مورد نقد و بازسازی قرار گیرند.

۵. بازتولید فرهنگی[1]: تعلیم تربیت باید توانمندی لازم را در شاگردان جهت بازتولید فرهنگی و خلق دانش‌های جدید ایجاد کند.

۶. پذیرش تنوع زبان و صداهای گوناگون: تنوع زبان و صداهای گوناگون یکی از مهم‌ترین مسائل مورد توجه تعلیم و تربیت انتقادی ژیرو است که بایستی در جریان تعلیم و تربیت مورد توجه مربیان قرار گیرد. به گونه ای که همه صداها از هر گروه، طبقه و نژاد و فرهنگ خاص شنیده شوند.

[1].cultural reproduction

هدف‌ها، اصول و روش تربیتی تحول زای ژیرو چه ویژگی‌هایی دارد؟

هدف از تعلیم و تربیت مرزی مورد نظر ژیرو آن است که دانش آموزان به فهمی تجربی از کسانی برسند که در فرهنگ رسمی، آنان را غیر خودی به شمار آورده‌اند. تعلیم و تربیت مرزی، فرصت لازم را برای دانش آموزان فراهم می‌کند تا با منابع و مراجع چندگانه ای درگیر شوند که رمزهای مختلف فرهنگی، تجارب و زبان‌ها را تشکیل می‌دهند. با این هدف که دانش آموزان این رمزها را بشناسند و با آنها به طور انتقادی برخورد کنند و از محدودیت‌های آنها آگاه شوند(Farmahini Farahani , 2004, p.128). بر این اساس، می‌توان چند هدف اساسی را برای تعلیم و تربیت انتقادی معرفی نمود. هر چند این هدف‌ها ممکن است با هدف‌های تعلیم و تربیت پست‌مدرنیستی همپوشانی داشته باشند:

۱. پرورش شهروند منتقد به جای شهروند فقط خوب و مطلوب؛

۲. توجه به مسائل اجتماعی به ویژه مسائل سیاسی همه گروه‌ها از هر قوم و نژاد و طبقه؛

۳. کمک به رفع سلطه سیاسی مسلط و حاکم بر گروه‌های سیاسی حاشیه ای و در نظر گرفتن حق آنها؛

۴. رفع تبعیض نژادی و دفاع از حق مظلومان و گروه‌های مختلف جامعه؛

۵. ایجاد یک جامعه دموکراتیک مساوات خواه و اخلاقی؛

۶. تغییر و بازسازی محتوی برنامه درسی به منظور ایجاد تحول در محتوی، هدف و روش برنامه درسی؛

۷. تعریف نقش‌های جدید برای معلمان و کمک به آنها جهت ایجاد تحول در جامعه؛ و

۸. کمک به بازسازی نقش شاگردان از حالت انفعالی و پذیرندگی به نقش فعال و خلاق.

از مجموع آنچه به طورکلی در زمینه نظریه انتقادی ژیرو گفته شد، می‌توان چند اصل تربیتی را به منظور راهنمای عمل مربیان و به عنوان اصول اساسی, جهت تحول زایی و پرورش تفکر تربیت انتقادی در تعلیم و تربیت به شرح زیر معرفی نمود:

۱. اصل نقد و انتقاد: یکی از اصول مسلم که برمبنای تئوری انتقادی ژیرو می‌تواند در جریان تعلیم و تربیت از جانب مربیان تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار گیرد. طبق این اصل تربیتی، در جریان تعاملات تربیتی، هم مربی و هم شاگردان بایستی نسبت به آنچه به آنها عرضه می‌شود، به دید انتقادی نگاه کنند؛ یعنی معلم و شاگرد بایستی نسبت به آنچه خواننده یا آموخته می‌شود، با دید تحلیلی و انتقادی نگاه کنند و در حین تدریس در کلاس مدنظر قرار گیرد. از نظر ارزشیابی نیز مربی نبایستی فقط حفظ کرده های

شاگردان را در ارزشیابی آموخته های آنها در نظر بگیرد. توجه به سؤال‌های تحلیلی و درخواست از شاگردان برای پاسخگویی توأم با نقد و انتقاد در این زمینه مهم است.

بر این اساس، هرگز مربی نبایستی انتظار داشته باشد که شاگردان پذیرنده صرف القائات معلمان باشند و شاگردان هم نبایستی نسبت به دیدگاه معلمان سکوت اختیار کنند. وارسی عقاید معلمان، متن محتوی کتاب‌ها، ارزش‌ها و حتی سیاست‌های آموزشی حاکم بر مدارس بایستی از سوی همه معلمان، شاگردان، مدیران و برنامه ریزان درسی از مسائل مهم در استفاده از این اصل تربیتی است (Salehi, 2011, p.10).

۲. اصل گفتمان[1]**:** متفکران نظریه انتقادی و حتی ژیرو معتقد هستند که دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها با روش گفتمان بهتر و روشن‌تر می‌شوند. در تعلیم و تربیت انتقادی، گفتگو روشی است که از طریق آن شاگردان در کلاس درس با استفاده از زبان (کلامی و غیرکلامی)، نماد و تصویر با هم پیوند می‌یابند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. بنابراین، گفتگوی موثر آموزشی می‌تواند با ایجاد فضای مشترک و ارتباط دوسویه بین فراگیران با یکدیگر و فراگیران با معلمان، زمینه دادوستدهای اجتماعی را برقرار سازد. این مهم در فرایند یاددهی-یادگیری زمینه تحول آفرینی را فراهم می‌سازد (Marjani, 2005, p.84).

طبق این اصل، مربیان بایستی در جریان تعلیم و تربیت، گفتگو و بحث در بین همه شاگردان را وارد عمل تربیتی خود ساخته و با به‌کارگیری و تشکیل گروه‌های بحث به شکل‌های مختلف، زمینه لازم جهت شرکت همه شاگردان بدون توجه به نژاد و طبقه آنها در زمینه بازاندیشی و طرح مسائل گوناگون ایجاد نمایند.

۳. اصل تربیت ضد اقتدار و سلطه گری: در این اصل به حقوق همه افراد و شاگردان کلاس توجه شده است. پس، نه تنها معلم حق اقتدار و سلطه بر کلاس و عقاید و افکار شاگردان را ندارد، بلکه برنامه ریزان درسی و حتی گروهی از شاگردان , حق اقتدار و سلطه گریی را از نظر ابزار عقاید بر گروه دیگر ندارند. این اصل، همچنین ناظر بر سازماندهی فضای کلاس نیز می‌باشد و جایگاه معلم نیز باید به گونه ای تغییر کند که دانش آموزان احساس برتری و حاکمیت محض بر کلاس را نداشته باشند. طبیعی است که تغییر فضای کلاس از شکل سنتی آن به جدید به نحوی باشد که همه دانش آموزان بتوانند با معلم تعامل داشته باشند. از دیدگاه این مکتب، کلاس درس مکانی است که در آن امکان تعامل‌های اجتماعی، نقد، تحقیق، طرح مسئله و تجربه سبک‌های مختلف یادگیری فراهم می‌شود.

۴. اصل نسبیت دانش و معرفت: یکی دیگر از اصول تعلیم و تربیت انتقادی ژیرو، تغییر در دانش‌ها،

---

[1].discourse

ارزش‌ها و بینش‌ها است. این اصل را می‌توان اصل نسبیت معرفت و دانش نامید. مطابق این اصل هرگز دانش و معرفت امری مسلم و قطعی تلقی نمی‌شود. بر اساس این اصل، دانش آموزان و معلمان نبایستی هیچ گزاره معرفتی را به عنوان یک معرفت قطعی و یقینی تصور کنند، بلکه معرفت و دانش امری اجتماعی و موقتی است (Cohven, 2005, p.726).

روش‌های تربیتی

روش‌های تربیتی ژیرو شامل شیوه های گفتمان، خواندن و نوشتن انتقادی است که به تفکر نقاد منجر می‌شود. با این روش تلاش می‌شود، دانش آموزان پس از بحث و خواندن مطالب به تفسیر و نقد آن اقدام کرده و با بازنگری در موضوع به دنبال طرح و ایده تازه ای باشند(Khalili & Hoseini, 2010). ژیرو (۲۰۰۳) بر این عقیده است که تفکر انتقادی در یادگیری منوط به استقلال فردی، قضاوت مستدل در تفکر و عمل است.

استقلال فردی مانع تسلیم و پذیرش کورکورانه دانش شده و قضاوت مستدل به ایده پردازی و ارائه آن منجر می‌شود. لذا، روش انتقادی می‌تواند زمینه های ظهور ایده پردازی و خلاقیت را فراهم کند. با توجه به این که گفتمان به عنوان یک اصل انتخاب شده است، در تعلیم و تربیت مرزی، نقش روشی هم دارد. مانند یک سکه دو رو است که یک سوی آن اصل و سوی دیگر روش تعلیم و تربیت مرزی محسوب می‌شود.

بحث و گفتگو چه در نظام‌های سنتی و چه در مکتب انتقادی و پست مدرنیسم از اهمیت خاصی برخوردارست (Dinarv & Imani, 2008, P.166). بنابراین، ژیرو نوعی آموزش و پرورش گفتگو محور را توصیه می‌کند که در آن گرایش به همکاری و اقدام جمعی دیده می‌شود و روابط بین فردی و بین گروهی براساس صمیمیت شکل می‌گیرد.

به طورکلی روش‌های تربیتی مورد نظر ژیرو مانند گفتمان، خواندن و نوشتن انتقادی شامل روش‌هایی می‌باشند که به تفکر نقاد می انجامند؛ زیرا با این روش تلاش می‌شود دانش آموزان پس از بحث و خواندن مطالب، به تفسیر و نقد آن اقدام کرده و با بازنگری در موضوع به دنبال طرح و ایده تازه ای باشند (Salehi, 2011).

مهم‌ترین آرای تربیتی ژیرو با تاکید بر تحول در تعلیم و تربیت در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول۱: مهم‌ترین آرای تربیتی ژیرو با تاکید بر تحول در تعلیم و تربیت

مؤلفه های اصلی	شاخص‌های اصلی
هدف تعلیم و تربیت	پرورش شهروند انتقادی، رفع تبعیض نژادی، ایجاد جامعه دموکراتیک و مساوات خواه
اصول تعلیم و تربیت	نقد و انتقاد، گفتمان محوری، ضد اقتدار و سلطه گرایی، نسبیت دانش و معرفت
روش‌های تربیتی	گفتمان محوری، تفکر انتقادی

نقد پست‌مدرنیستی ژیرو در خصوص هدف‌ها، اصول و روش تربیتی تحول زای مدرنیسم چه ویژگی‌هایی دارد؟

در سال‌های اخیر، پست مدرنیسم الهام بخش سبکی از تعلیم و تربیت بوده است که مانند سایر نظریه‌های تربیتی به بحث درباره روش‌های پژوهش تربیتی، دانش آموز، برنامه درسی و مانند آن پرداخته و بسیاری از برداشتهای قدیمی‌تر درباره آموزش و یادگیری را مورد چالش قرار داده است. از آنجا که، پست مدرنیسم کوششی برای بازشناسی مشکلات و بن بست های مدرنیته تلقی می‌شود، حرکتی نقادانه و در نتیجه مطلوب و ثمربخش محسوب می‌شود. البته، سهم متفکران پست مدرن را در پیشبرد اندیشه های انتقادی نیز به ویژه تعلیم و تربیت نمی‌توان انکار کرد. رویکردهای پست مدرنیسم به تعلیم و تربیت، نوید بخش یک نوع احساس مسئولیت شخصی، اجتماعی و بوم شناختی است که بسیاری از دیدگاه‌های تربیتی دیگر فاقد آن هستند.

با عنایت به این نکته می‌توان اذعان نمود که بازتاب تفکر پست مدرن در نظام آموزشی، به دلیل ارج نهادن به اقلیت‌های قومی، نژادی و جنسیتی و نیز حمایت از تعلیم و تربیت چند فرهنگ گرا [1] و انتقادی است. ژیرو نماینده برجسته تعلیم و تربیت چند فرهنگی و انتقادی پست مدرن محسوب می‌شود. او آموزش و پرورش انتقادی را وجه دیگر آموزش و پرورش پست مدرن می‌داند و در نظریه تربیتی خود (تعلیم و تربیت مرزی) حساسیت نسبت به تفاوت‌های بشری و ارتقای ستمدیدگان را از قوی‌ترین ویژگی‌های اخلاقی پست مدرنیسم بر می‌شمرد. ژیرو همچنین، تفاوت و گفتگوی اجتماعی یک جامعه مردم سالار و کثرت گرا[2] را که می‌تواند از رشد منفعت طلبی‌های ضد اجتماعی جلوگیری کند مهم تلقی می‌کند. لذا می‌توان آموزش و پرورش انتقادی پست مدرنیسم را عامل ایجاد موقعیتی برای ارزیابی و بحث درباره ایده های مختلف دانست که جامعه را می‌سازد. در این راستا توجه به تربیت معنوی و اخلاقی ژیرو

---
1. multicultural pedagogy
2. pluralism

و مک لارن در خصوص توجه به تفاوت‌ها و حاشیه‌ها و تاکید او بر گفتگوی اجتماعی که از طریق جذب دانش آموزان که از مرکز به سوی حاشیه‌ها تحقق می‌یابد جنبه اخلاقی نیرومند دیگری را به پست مدرنیسم می‌افزاید. پس از نظر ژیرو، اخلاق باید به مثابه مسئله اصلی تعلیم و تربیت انتقادی در نظر گرفته شود.

تئوری گفتمان پست‌مدرنیست‌ها امتیازهای بسیاری دارد. به طور نمونه، مربیانی که خواستار تقویت قوه انتقاد دانش آموزان نسبت به دیدگاه‌های مسلط و فراگیر هستند یا می‌خواهند ظرفیت شکیبایی یا حتی توانایی استقبال آنها از دیدگاه‌های ناسازگار با نظرات شخصی خود را تقویت کنند، می‌توانند از این تئوری به عنوان یک ابزار مفیدی بهره‌مند شوند.

ژیرو بر نقش حساس معلم به عنوان اندیشمند تحول آفرین که وظیفه‌اش کمک به دانش آموزان در بر عهده گرفتن مسئولیت شخصی و اجتماعی برای آینده است را تاکید می‌کند. مربیان باید به دانش آموزان فرصت دهند تا ظرفیت انتقادی خود را برای مبارزه و تغییر صور سیاسی و اجتماعی موجود به جای سازگاری صرف گسترش دهند و دانش آموزان را به مهارت‌هایی مجهز کنند که بر اساس آن خود را در تاریخ جای داده، صدای خود را بیابند و عقاید و همدردی‌های ضروری را برای اعمال شجاعت مدنی تقویت نمایند. برای این منظور باید از انتقال محض دانش فراتر رفت و به جایگاهی فعال در باب امکانات و جهت گیری‌های آینده دست یافت. جنبه انتقادی دیگر در مدرسه پست مدرن به طور عمیق متوجه ایجاد موقعیتی است که در آن، کلاس به مرکزی برای دست‌کاری ایده های مختلف و ارزیابی آنها تبدیل شود. ژیرو نوعی آموزش و پرورش گفتگو محور را به عنوان روش تربیتی توصیه می‌کند که در آن گرایش به همکاری و اقدام جمعی دیده می‌شود و روابط بین فردی و بین گروهی بر اساس صمیمیت شکل می‌گیرد.

از نظر او، تعلیم و تربیت انتقادی به زبانی نیاز دارد که همبستگی‌های متضاد و واژگان سیاسی را جمع آوری می‌کند تا بتوان از این طریق مسائل مرتبط با قدرت , عدالت و نابرابری را تحلیل نماید و آنها را به نسخه یگانه و روایتی برتر در آورد که امر محتمل را به مثابه موضوعی جدی مطالعاتی تقلیل بدهد. همچنین از نظر ژیرو مفهوم عقل منطبق با عصر روشنگری باید در درون تعلیم و تربیت انتقادی از نو صورت بندی شود. نخست، مربیان باید نسبت به هر مفهومی از عقل که با انکار ساختار تاریخی خود و اصول ایدئولوژیک خودش ادعای کشف حقیقت را دارد، شکاک باشند. عقل مبرا از خطا نیست و هیچ مفهوم کارآمدی از تعلیم و تربیت انتقادی نمی‌تواند صورتی از اقتدار را بکار گیرد که مقلد صور تمامیت بخشی عقل که به ظاهر فراتر از نقد و گفت و شنود است، باشد.

با توجه به آنچه بحث شد، نتایج نشان می‌دهد که تعلیم و تربیت از نظر ژیرو به خودی خود روندی سیاسی دارد. هدف تعلیم و تربیت مرزی ایجاد یک جامعه مساوات خواه دموکراتیک می‌باشد و بسیاری از هدف‌های سنتی تعلیم و تربیت را طرد می‌کند و معطوف به شناخت مرزهای فکری و دیدن تفاوت‌های انسانی و دریافت آنهاست که در سیر تحول تعلیم و تربیت مطلوب این خواهد بود که در آن صداهای دیگر نیز شنیده شوند و اندیشه و فلسفه تعلیم و تربیت مرزی نمی‌تواند از کنار مسائل و زبان اجتماعی و فرهنگ‌های خرد و کلان انسان‌ها، قوم‌ها و ملل مختلف بگذرد، چرا که محکوم به شکست می‌شود و این چیزی است که در نظام تربیتی کشورها از جمله ایران قابل بررسی می‌باشد.

بنابراین، باید به مدارس به عنوان حوزه های عمومی دموکراتیک نگریست که نوعی آموزش و پرورش گفتگو محور به عنوان روش تربیتی بر آن حاکم است و موجب می‌شود روابط بین فردی و بین گروهی بر اساس صمیمیت شکل گیرد. جایی که در آن اندیشه های تعلیم و تربیت باید منجر به پرورش شهروندان منتقد شود و در آموزش از انتقال محض دانش دریافتی فراتر رفت و معلمان را به عنوان روشنفکران جامعه و تحول آفرین محسوب کرد که ضرورت دارد دور از اقتدارگرایی سنتی به تعلیم و تربیت انتقادی و بسط کمی و کیفی مسئولیت‌های اجتماعی خود بپردازند. در نهایت، اعتقاد ژیرو بر این است که ما نیازمند روشی هستیم تا به طور انتقادی در این باره بیندیشیم که دانش چگونه شکل می‌گیرد و نمایش داده می‌شود؟ ژیرو ناظر بودن حرف را نمی‌پذیرد و نظرات او نوعی تربیت انتقادی فراهم می‌آورد که به عمل نظر دارد و تربیت انتقادی را بسیار با اهمیت می‌داند و معتقد است در زمان‌های گذشته، نقش مدارس تنها این بود که نوعی روحیه غیرانتقادی را پرورش دهد و همه چیزهای موجود در جامعه را باز تولید کنند.

بنابراین، در این راستا می‌توان نظام آموزش و پرورش ایران را از نظر ژیرو مورد نقد قرار داد؛ زیرا، تربیت مرزی، نقد نژاد و طبقه است. در نظام آموزشی ما چالش‌هایی وجود دارد که از منظر ژیرو می‌توان به طور ضمنی مورد نقد قرار داد. او بسیاری از هدف‌های سنتی تعلیم و تربیت را طرد می‌کند و با نقد آموزش و پرورش اذعان دارد که نقش تعلیم و تربیت در خلق مجدد دانش و آرای جدید در عرصه های مختلف تعریف می‌شود. چرا که او به خلق مجدد دانش و اندیشه های نو اهمیت وافری می‌دهد.

نتیجه

از آنجا که پساتجددگراها برخلاف تجددگراها بر موشکافی مسائل نظام تعلیم و تربیت جهان به طور عام و بازنگری انتقادی روابط و ساختار موجود در نظام آموزشی کشورها به طور خاص، تاکید بسیار

دارند و از نظر روش شناختی، پساتجددگراها برای فهم جهان و مطالعات تربیتی، مطالعات کیفی را به مطالعات کمی ترجیح می‌دهند، این مهم در تحلیل، نقد و شیوه تحول زایی نظام آموزشی ایران قابل تأمل می‌باشد. بنابراین، در ارکان برنامه آموزشی و درسی می‌توان بر اساس مؤلفه های موردنظر ژیرو، به تدابیر مناسب برای تحول زایی نظام تربیتی ایران اندیشید. در جدول (۲) به طور خلاصه به برخی دلالت‌های این دیدگاه در تحول آموزش و پرورش ایران اشاره شده است.

جدول۲: مؤلفه های اصلی تعلیم و تربیت مرزی تحول زای ژیرو در تحول نظام آموزشی

مؤلفه‌های تعلیم و تربیت مرزی	ویژگی‌ها و کارکردها
تعلیم و تربیت	مولد سوژه های سیاسی و بزرگ‌ترین محافظ نظام فرهنگی گذشته
معلم	روشنفکران تحول آفرین و تسهیلگر خلق دانش
مدرسه	مکان تربیت دموکراتیک و پرورش شهروندان انتقادی
محتوا	تمرکز بر انواع روایت‌ها و سنت‌ها (توجه به فرا روایت‌ها)
تدریس	برنامه درسی مربوط به ساخت موضوع‌ها و شکل سیاسی مدارس
مطالعات فرهنگی	پداگوژی عمومی مدارس و ابزاری روشنفکرانه برای ایجاد تحول در آموزش و پرورش
فناوری آموزشی	ابزاری جهت رشد و تحول مدارس و آموزشگاه‌ها به وسیله دستورات فناورانه مهندسی عقلانی

دلالت‌های تربیتی پساتجددگراها با تاکید بر تمرکز زدایی، چند فرهنگی، بی اعتمادی به عقلانیت و علم، ساخت‌های پراکنده، چالش برانگیزی و نقد، رد قطعیت، نسبی گرایی اخلاقی، شک گرایی معرفت شناختی و تاکید بر روش‌های تحقیق کیفی در زمینه علوم انسانی و علوم تربیتی (قوم نگاری، تحلیل گفتمان و ساخت شکنی) و تمام حوزه های دانش بشری، امکان گشایش چشم انداز انتقادی فراهم می کند و این امر فرصتی کمیاب در اختیار ما قرار می‌دهد تا از این زاویه به انسان و روابط انسانی در آموزش و پرورش توجه بیشتری شود. از این رو، متفکران پست مدرنیسم نظام آموزشی مدرن را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهند و بر این باورند که نظام‌های آموزشی در عصر مدرن، بیشترکارکردی وارونه و تحول زای مکانیکی داشته‌اند تا این که تحولات عمیق کیفی، دینامیکی و نقاد داشته باشند.

تعلیم و تربیت مدرن با مشکلاتی چون خشونت، بست و بندهای دیوان سالاری، رکود ایستایی برنامه های درسی، روش‌های نامناسب ارزشیابی، خستگی عاطفی، زوال ساختاری، بحران‌های اقتصادی و

عدم امیدواری روبروست. ضمن اینکه دانش آموزان از طریق نظام آموزشی مدرن در می‌یابند که بایستی افرادی مطیع و فرمان‌بر باشند. بنابراین، تعلیم و تربیت پساتجددگراها در واقع مطالعه و فهم بحران‌های جاری آموزش و پرورش در جامعه است و این امر با روح پساتجددگراها سازگار نیست که در صدد است در نظام تعلیم و تربیت جدید علاوه بر تحولات مکانیکی، تحولات عمیق کیفی، دینامیکی و نقاد را ایجاد، بسط و توسعه دهد. این تحول از طریق معلمانی امکان پذیر است که در تعلیم و تربیت انتقادی به عنوان اندیشمندانی رهایی بخش، کارگزاران فرهنگی، روشنفکران ستیزه جو و روشنفکرانی تحول آفرین به شمار می‌آیند که شجاعت اخلاقی و نقادی از ویژگی‌های آنها در جامعه است.

در تحول زایی نظام تربیتی، ضمن تمرکز بر اصل نقد و انتقاد، تربیت ضد اقتدار و سلطه گری، نسبیت دانش و معرفت و گفتمان تحول گرا، بر روش تربیتی انتقادی و گفت‌وگو محور که زمینه ساز ایده پردازی و خلاقیت است، تاکید می‌شود. شرکت همه شاگردان بدون توجه به نوع نژاد و طبقه آنها در زمینه باز اندیشی و طرح مسائل گوناگون راهنمایی کنند.

بنابراین، ژیرو نوعی آموزش و پرورش گفتگو محور را توصیه می‌کند که می‌تواند در نظام تربیتی ایران هم مورد توجه قرار گیرد و در این راستا می‌توان نظام آموزش و پرورش ایران را از نظر ژیرو مورد تحلیل، تبیین و نقد قرار داد؛ زیرا تربیت مرزی در عمل نقد نژاد و طبقه است ولی در نظام ما چالش‌هایی وجود دارد که از منظر ژیرو می‌توان به طور ضمنی نقد کرد که بسیاری از هدف‌های سنتی تعلیم و تربیت را طرد می‌کند.

پیشنهاد می‌شود برای ایجاد و بسط تمرکززدایی تربیتی و تکثرگرایی فرهنگی، شک گرایی معرفت شناختی، ساخت‌های نامنظم، چالش برانگیزی و نقادی فکری، نسبی گرایی اخلاقی، عدم اعتماد به عقل مداری و علم باوری، از روش‌های تحقیق کیفی و توسعه ای تحقیق در زمینه علوم انسانی و علوم تربیتی مانند قوم نگاری، تحلیل گفتمان و ساخت شکنی در تمام حوزه های دانش بشری موجود در حیطه فلسفه تعلیم و تربیت و برنامه ریزی درسی و آموزشی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران استفاده نمود.

منابع

آقازاده، محرم؛ دبیری نژاد اصفهانی، عذرا (۱۳۸۰). *اندیشه های نوین در آموزش و پرورش*. تهران: آییژ.

آهنچیان، محمد رضا (۱۳۸۲). *آموزش و پرورش در شرایط پست مدرن*. تهران: انتشارات طهوری.

باقری، خسرو (۱۳۷۵). تعلیم و تربیت در منظر پست مدرنیسم. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، شماره۱-۴، ۶۳-۸۳

خلیلی، سمانه؛ حسینی، افضل السادات (۱۳۸۹). تبیین جایگاه خلاقیت در اندیشه های پست مدرنیسم. *مجله اندیشه های نوین تربیتی دانشگاه الزهراء*، دوره۶، شماره۴.

جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره؛ عالی، مرضیه (۱۳۸۹). مبانی انسان شناسی پست مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن. *مجله فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شهید بهشتی*، سال۸، شماره۲۳.

دهباشی، مهدی؛ جعفری، سید ابراهیم؛ محمودی، محمد تقی (۱۳۸۶). تعلیم و تربیت پست‌مدرن از دیدگاه جیرو. *مجله دانش و پژوهش در علوم تربیتی*، شماره۱۱۶.

دیناروند، حسن؛ ایمانی، محسن (۱۳۸۷). تبیین نظریه انتقادی، تعلیم و تربیت انتقادی و دلالت‌های تربیت آن از منظر ژیرو و فریر و نقد آن. *مجله اندیشه های نوین تربیتی*، دوره ۴ ، شماره ۳.

شکاری عباس؛ فتاحی، ندا (۱۳۹۲). *نقش تعلیم و تربیت مرزی نقش تعلیم و تربیت مرزی با تاکید بر دلالت‌های تربیتی ژیرو در تحولات تربیتی*. چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه فردوسی مشهد.

صالحی، اکبر (۱۳۹۰). *تبیین نظریه انتقادی هنری ژیرو و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت*. تهران: مجموعه مقالات همایش دوم انجمن فلسفه تعلیم و تربیت.

فرمهینی فراهانی، محسن (۱۳۸۳). *پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت*، تهران، آییژ.

کهون، لارنس (۱۳۸۵). *از مدرنیسم تا پست مدرنیسم*. ترجمه عبدالکریم رشیدیان، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.

مرجانی، بهناز (۱۳۸۵) . نگرش انتقادی در آموزش و پرورش. *مجله اندیشه های نوین تربیتی دانشگاه الزهرا*، دوره ۲، شماره ۱-۲.

نجاریان، پروانه؛ پاک سرشت، محمد جعفر؛ صفایی مقدم، مسعود (۱۳۸۱). مضامین پست مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره سوم، سال نهم، شمار ۱و۲.

Aghazadeh, M., & Dabirinejad Esfahani O. (2007). *Modern thinking in education*. Tehran, Aij.

Ahanchian, M. R. (2003). *Pedagogy in postmodernism conditions*. Tehran, Tahuri Pres.

Aronowitz, S., & Giroux H. (1991). *Postmodern Education*. University of Minnestota Press.

Bagheri, K. (1996). Pedagogy from the view of postmodernism .*Journal Of Psychology & Education*, 1(4), 83-63.

Cohven, L. (2005). *From modernism to postmodernism*. Translation of abed-al karim rashidian. The fifth edition, Tehran, Neipress.

Dehbashi, M., Jafari S E., & Mahmoudi M. T. (2007). Post modern education based on Henry Giroux ideas. *Knowledge And Research in Curriculum Planning*, N (116).

Dinarvand, H., & Imani M. (2008). Explaing the critical theory: critical pedagogy and its pedagogical references from the view of Giroux, farir and its review. *Quarterly Journal of New Thoughts on Education the University of al- Zahra*, 4(3).

Farmahini Farahani, M. (2004). *Postmodernism and pedagogy*. Tehran, Aij.

Giroux, H. A. (1994). Slacking off: Border youth and postmodern education. *Journal of Advanced Composition*, 14(2), 347-366.

Giroux, H. A. (1988). *Schooling and the Struggle for public Life*. Minneapolis: University

of Minnesota Press.

Giroux, H. (1991). Toward a postmodern Pedagogy. Section of the Introduction to *Postmodernism, Feminism, and cultural Politice*. Albany: State University of New York Press.

Giroux, H. (1996). Toward a postmodern Pedagogy. In L. Cahoon, *From Modernism To Postmodernism: An Anthology*. Blackwell.

Giroux, H. (1999). Cultural Studies As public Pedagogy Encyclopedia of philosophy of Education. Retrivied from www.Henrygiroux.com/ index.html

Giroux, H. (2003). Public pedagogy and politics Resistance: Noteon critical Theory and ducational Struggle. *Educational Philosophy and Theory*, 1(35)

Javid Kalateh Jafarabadi T., & Aali M. (2010). An introduction to postmodernism anthropology and its pedagogical references. *Reseuarch Journal of Islamic Philosophy and Theology of Shahid Beheshti*, 8 (23).

Khalili, S. & hoseini A., (2010). Explaining the situation of creativity in postmodernism thoughts. *Quarterly Journal of New Thoughts on Education, the University of al-Zahra*, 6(4), 9-32.

Leistyna, P. (1995). Editors Reviews. *Harvard Educational Review*, 65(1), 101-113.

Marjani, B. (2005). A critical Attitude in education, Quarterly Journal of New Thoughts on Education, the University of al-Zahra 2 (1).

Najjarian, P., & Pakseresht M., J., & safai moghaddam M. (2002). Postmodernism content & its educational implications. *Education Journal of the University Shahid Chamran Ahvaz*, 3(1).

Nicholas C., Bur B., & Rupert B. (1999). Critical thinking and critical pedagogy, Relations, Differences and limits, publishid in critical Theories in Education. Thomas popkewitz and lynn fendler, Eds (ny. routledge).

Ozman, H., & Craver S. M. (1995). Philosophy Education and the challenge of postmodernism. In *philosophical foundations of Education, Newjersey Simon schoxter*. 361-386.

Parker, S. (1997). *Reflective Teaching in the postmodern World*. Philadelphia: SRHE & Open University Press

Pinar, W. (1996). *Understanding curriculum.* Peterlang Publishing, Inc. NewYork.

Salehi, A. (2011). Explaining the critical theory of hennery Giroux and its references in pedagogy. The article collection of the second conference of Association of Pedagogy Philosophy.

Shekari, A., & Fattahi N. (2013). *The Role of border pedagogy with emphasizing on Giroux and pedagogical references in pedagogical revolutions.* the fourth conference of pedagogy philosophy association, University of Ferdowsi Mashad.

Slattery, P. (1995). *Curriculum Development In The postmodern.* Era Gerland